

گونه بر آورد کرده اند؛ بر اساس این مطالعات و در بهترین حالت ممکن برای باروری، جمعیت ایران تا سال ۱۴۸۰ به ۱۱۵ میلیون نفر افزایش خواهد یافت و پس از آن رشد جمعیت منفی خواهد شد. بدین معنا که از سال ۱۴۸۰ به بعد تعداد فوتی ها در ایران از تعداد موالید پیشی می گیرد. در این حالت هرم جمعیتی کشور به تدریج به شکل استوانه در می آید و پس از چند سال هرم جمعیتی موجود به یک هرم معکوس تبدیل می شود. هر می که قاعده آن جمعیت سالمند است و راس آن به سمت جمعیت جوان است.

*** در سیاست های جمعیتی گذشته قرار بود در سال ۹۰ نرخ باروری به ۴ برسد اما اجرای بی ضابطه سیاست های کاهش جمعیت باعث کاهش سریع نرخ باروری شد و امروز کشور را دچار مشکل کرده است. حال برای اجرای صحیح ویی اشکال سیاست ها چه فکری کرده اند و آیا نظارتی بر نحوه اجرای سیاست ها خواهید داشت؟**

اینکه ما ۲۰ سال در کاهش جمعیت کشور جلو افتادیم به علت نبود مرکز صد کننده در این حوزه بود. مرکز که باید با رصد به موقع شرایط، سیاست ها و راهبردها را اصلاح می کرد. در این دودمه به هر دلیلی این مرکز صد فعال نبود و شورای عالی انقلاب فرهنگی وقتی وارد این قضیه شد که باید آسیب شناسی گذشته و دیدن آینده را با هم انجام می داد. به هر شکل در سال ۹۰ ایجاد این مرکز صد کننده به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید تا بر اساس مصوبه شورای انهاد تخصصی مدیریت جامع جمعیت به ریاست رئیس جمهور و عضویت تمامی دستگاه های مسئول تشکیل شود. بخشی از فعالیت های این مرکز مطالعات رصدی، آینده نگری و بررسی این موضوع است که آیا کشور در حال نزدیک شدن به شاخص های مورد نظر جمعیتی هست یا خیر. این مرکز باید بر این موضوع که چه سیاست هایی و در کجا باید اعمال شود نظارت داشته باشد و اینکه کدام سیاست به تغییر وی یا بازنگری نیاز دارد و آیا وضعیت متناسب با رشد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جلورفته است یا خیر.

در قانون برنامه اول توسعه قانون گذار این گونه تبیین کرده بود که در سال ۹۰ نرخ باروری از ۴/۶ به ۴ برسد و جمعیت نیز از ۳/۲ به ۲/۳ تقلیل یابد. اما متأسفانه در اثر بی برنامه گی و در سایه نبود نهاد نظارت کننده بر نحوه اجرای سیاست های جمعیتی، بیست سال زودتر از موعد مقرر به اهداف تعیین شده برای سال ۹۰ رسیدیم. یعنی نرخ باروری در سال ۷۰ به ۴ رسید و پس از آن به سرعت شاهد کاهش نرخ باروری بودیم. به شکلی که نرخ باروری در سال ۸۵ به ۱/۸ و در سال ۹۰ به ۱/۷ رسید. از نگاه متخصصان جمعیت شناسی رسیدن به زیر نرخ جایگزینی یعنی ادامه یافتن روند کاهش حتی در صورت شروع اقدامات بازدارنده برای کاهش نرخ جمعیت چرا که حتی در صورت اصلاح سیاست های جمعیتی به دلیل اینکه روند قبلی تاثیرات خود را گذاشته است روند کاهش همچنان ادامه پیدا می کند.

ما امروز می دانیم که در سال ۱۴۰۴ چه تعداد سالمند خواهیم داشت و از امروز باید برای جمعیت سالمند مان برنامه ریزی کنیم. باید امکانات دوران سالمندی مهیا شود تا در آینده خانواده ها بتوانند از سالمندان در محیط خانواده نگهداری کنند.

*** آیا اصلاح سیاست ها به سرعت به افزایش نرخ جمعیت می انجامد؟**

پس از اصلاح سیاست های جمعیتی دوافاق ممکن است رخ دهد. اول اینکه با اعمال این سیاست ها روند رشد جمعیت ارتقا یابد و نرخ باروری به نرخ جایگزینی و حتی بالاتر از آن برسد که در این شرایط حتی نزدیک شدن به نرخ جایگزینی هم امیدوار کننده است. اما احتمال قوی تر این است که نرخ باروری همچنان کاهش یابد. این کاهش می تواند تا جایی پیش برود که دیگر ظرفیتی برای کاهش نرخ باروری وجود نداشته باشد.

برای در ک وضعیت کشور ما بر اساس این دو فرضیه، باید گفت اگر نرخ باروری کل کشور به نرخ جایگزینی نزدیک شود و حتی به ۱/۹ برسد، جمعیت کشور در افاق ۱۴۸۰ به ۶۰ میلیون نفر خواهد رسید. اما اگر نرخ باروری روند کاهشی خود را طی کند و به ۱/۴ برسد جمعیت ایران در افاق ۱۴۸۰ به ۳۰ میلیون نفر تقلیل خواهد یافت. در جمعیتی ۳۰ میلیون نفری که ۵۰ درصد آن را سالمندان تشکیل می دهند و با احتساب اینکه ۲۵ درصد

برای این زنان قائل است. حتی یکی از وعده های انتخاباتی پوتین در انتخابات ریاست جمهوری روسیه افزایش ۵۰ میلیونی جمعیت بود. اگر به وضعیت جمعیتی آمریکا توجه کنید هیچ گاه جمعیت این کشور کم نمی شود و حتی برای دراز مدت برنامه افزایش دوبرابری جمعیت را دارند. یعنی می خواهند تا سال ۱۴۸۰ جمعیت خود را از ۳۰۰ میلیون نفر کنونی به ۷۰۰ میلیون نفر برسانند. آلمان و ژاپن هم کشور های پیری هستند. این کشور ها با استفاده از مشوق های مادی، اداری، بهداشتی و رفاهی افراد را ترغیب به فرزندآوری می کنند؛ به عنوان مثال اگر فرد کارمند باشد مرخصی های طولانی مدت به او تعلق می گیرد. حتی در کشوری مانند استرالیا اگر زنی در دو یا سه سال متوالی دو فرزند به دنیا بیاورد می تواند از ۴ سال مرخصی همراه با تمامی حقوق و مزایا استفاده کند.

*** آیا در نظر گرفتن چنین مشوق هایی برای دولت ها مقرون به صرفه است؟**

در پاسخ به سوالتان باید بگویم به چنین اقداماتی در دراز مدت برای کشور ها مقرون به صرفه است. در این کشور ها به زوج های جوان توصیه می شود در سال های اول از دواج با فاصله کم اقدام به بچه دار شدن کنند چرا که بچه ها با هم بزرگ می شوند و هزینه های شان بین دو یا سه بچه سرشکن می شود. البته این کشور ها اقدامات حمایتی خوبی هم در این زمینه انجام داده اند و تسهیلات مختلفی برای تشویق مردم کشور شان در نظر گرفته اند. مرخصی های طولانی مدت به مادران، اعطای هدیه تولد، پوشش کامل بیمه اجتماعی و درمانی مادر و کودک، در نظر گرفتن بسته های بهداشتی، تغذیه ای و تقویتی و حتی تامین مسکن و در نظر گرفتن سفرهای تفریحی.

*** کمی به عقب برگردیم، تصمیم سازان به ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای اصلاح سیاست ها چه کرده اند؟**

مطالعات جمعیتی از سال ۱۳۸۶ در شورای عالی انقلاب فرهنگی آغاز شد و در نهایت در سال ۹۰ این بحث در نقشه مهندسی فرهنگی بر جسته شد. در این مطالعات مشخص شد بر نامه ریزی های دهه ۶۰ نگاه به آینده وجود نداشته است و از آنجا که برنامه ریزان آن زمان فکری به حال اشتغال مسکن و دیگر نیاز های متولدان این دهه نکرده اند امروز با مشکلات فراوان برای این نسل مواجه هستیم. این مشکلات در حالی رخ داده است که ما از نظر تراکم زیستی مشکلی در کشور نداریم اما در اثر اجرای سیاست های معیوب در کشور، بخش عمده ای از جمعیت کشور در شهر های بزرگ متمرکز شده است که زندگی در آپارتمان های کوچک، آلودگی هوا و ترافیک و دیگر معضلات اجتماعی پیامدهای آن است. برنامه ریزان دهه ۶۰ نرخ باروری ۴ را برای سال ۹۰ پیش بینی کرده بودند و باید بر اساس جمعیتی که از نرخ باروری ۴ ایجاد می شد زیر ساخت آماده می کردند. اما با وجود اینکه امروز نرخ باروری به ۱/۷ رسیده است باز هم برای تامین نیاز ها مشکل داریم که این خود نشان از بی برنامه گی دارد.

*** چه پیش بینی از آینده جمعیتی کشور دارید؟**

پیش بینی هایی که سازمان های بین المللی برای وضعیت جمعیتی کشور ما دارند با کشور هایی نظیر آمریکا متفاوت است. سازمان های بین المللی با در نظر گرفتن سه سناریوی رشد باروری بالا، متوسط و پایین، افاق جمعیتی کشور ما را تا سال ۱۴۸۰ این

بخش های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی است. مشکل از اینجا نشات می گیرد که در ۴ برنامه توسعه قبلی توجه مناسب و ویژه ای به توسعه فرهنگی اجتماعی و اقتصادی نشده است. در ظرفیت سازی ها همواره از رشد جمعیت عقب بوده ایم؛ به عنوان مثال ظرفیت در آموزش عالی دیر به وجود آمد. در حالی که متولدان دهه ۶۰ با مشکل صندلی های محدود در دانشگاه ها مواجه بودند، حال بعد از گذشت سال ها به تعداد صندلی های دانشگاهی ما اضافه شده است، صندلی هایی که خالی اند و کسی تمایل به نشستن و تحصیل در آن دانشگاه را ندارد. باز هم می گویم مشکل ما جمعیت زیاد نیست. مشکلات ما ساختاری است.

*** با خانواده ها که صحبت می کنیم معتقدند هزینه پرورش کودک بسیار بالاست. آموزش و پرورش کارایی چندانی ندارد و برای تربیت بهتر کودک باید هزینه های سنگینی کرد. برای این ابهامات باید پاسخی داشته باشیم. پاسخ شما به مشکلاتی که مردم بان درگیرند چیست؟**

برخی خانواده ها معتقدند هزینه پرورش و بزرگ کردن کودک در کشور ما بالاست و به دلیل مشکلات اقتصادی اقدام به فرزندآوری نمی کنند. در پاسخ این افراد باید بگویم کودکی که به تنهایی بزرگ می شود دچار اختلالات بسیاری می شود. در حقیقت در نگاهی وسیع تر به موضوع به این نتیجه می رسیم که هزینه تک فرزند بسیار بالاتر از چند فرزند است. در گام اول ممکن است خانواده ها این گونه تصور کنند که هزینه فرزندآوری زیاد است و نمی توانند از پس هزینه های مدرسه غیر انتفاعی، لباس، خوراک و بهداشت و درمان یک کودک جدید بر آیند. اما اگر هزینه ها و فایده های فرزند زیاد را در کنار هم قرار دهیم به این نتیجه می رسیم که در نگاهی کلی تر هزینه یک خانواده پر فرزند چندان تفاوتی با خانواده های تک فرزند ندارد. چرا که در خانواده های پر جمعیت تر به جای اینکه هزینه زیادی برای پر کردن اوقات فراغت کودک شود فرزندان خودشان در تعاملی که با هم دارند اوقات فراغت خود را پر می کنند. در گذشته هزینه های فرزندآوری به اندازه امروز نبود. فرزندانی خیلی زود به سن کار می رسیدند و در شغل پدر به او کمک می کردند. اما در شرایط فعلی فرزند به باری برای یک خانواده بدل شده است و یک نفر در یک خانواده باید بار تمامی افراد را به دوش بکشد.

از نگاه اقتصادی هم نمی توان چشم ها را روی واقعیت بست اما بد نیست بدانید بسیاری از خانواده های متمول از داشتن فرزند بیشتر خودداری می کنند. نکته مهم و اساسی این است که هر کس بسته به شرایطی که دارد خانواده خود را تنظیم می کند و اگر دولت مداخله منفی نکند هیچ گاه کار به تک فرزند نمی رسد.

*** مشکلی که ما بان دست به گریبانیم نتیجه سی سال اعمال سیاست های کاهش جمعیت و نهادینه شدن آن در بین مردم است. برای اصلاح این سیاست ها چه باید کرد؟**

بخشی از این مشکلات در فرهنگ یک اجتماع نهفته است و تردیدی نیست که برای اصلاح امور باید به اصلاح فرهنگ عمومی جامعه روی آورد. حتی کشور های غربی هم گام های بلندی در فرهنگ سازی برای ترغیب خانواده ها به فرزندآوری برداشته اند؛ به عنوان مثال در کشور روسیه به زنانی که تعداد فرزندان بیشتری داشته باشند عنوان قهرمان ملی اعطای می شود و جامعه ارزش خاصی

